

آه ای علمای درباری... آیا زمان آن نرسیده که از حرمت شکنی محرمات الهی دست بکشید؟!

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَانًا أَيْمًا﴾ [نساء: 107] بی‌گمان الله خیانت‌کار گناه پیشه را دوست نمی‌دارد.

(ترجمه)

از خطرناک‌ترین میدان‌های جنگ تمدنی که بر سرزمین ما از شرق تا غرب سایه افکنده است، میدان جنگ‌های فکری و ثقافتی علیه اسلام بوده که هدف آن نابود ساختن، متلاشی نمودن، ویران نمودن، تحریف، ناسزا گویی و زشت جلوه دادن اسلام می‌باشد. قسمت اعظم این جنگ‌ها و معرکه‌ها را حکام بی‌خرد، فاجر و ظالم که دست نشانده‌های غرب در سرزمین‌های ما هستند به پیش برده و به تعقیب آنان، بدترین مصیبت را می‌توان موجودیت علماء درباری به حساب آورد که زاینده و مخرج فتنه‌ها و بلاها به شمار می‌روند.

در عصر حاضر بزرگترین اسلحه‌ای که در دست دشمن قرار دارد اسلحه تحریف دین می‌باشد و غرب کافر به شکست فکری و تمدنی مواجه بوده و سعی بر این دارد که این شکست را با ریشه‌کن نمودن اسلام جبران نموده و تمدنش را یاری رساند. هدف اصلی غرب در جنگ تمدنی قانع ساختن ما به فکره و نظام تو خالی‌ش نبوده بلکه هدف اصلی‌اش تحریف اسلام است تا از این طریق بتواند امت را از عقیده آن بیگانه ساخته و عقیده‌اش را از تن جدا کند و در نهایت بتواند که شخصیت و الامقام وی را که به عنوان یک پیگر واحد اسلامی به شمار می‌رود متفرق سازد. کسی که بار گناه این تحریف را به نیابت از غرب حمل می‌نماید، گروهی از خود ما هستند. بلی از جنس خود ما و از میان خود ما که به زبان خود ما صحبت می‌کنند و نظاره‌گر چشمان مان هستند و به مقدس‌ترین و پاک‌ترین مکان سرزمین ما عروج می‌نمایند. بلی بر منابر مساجد، کلمه کفر را به زبان آورده و بر تمام راه‌ها زهر کشنده غرب را پراکنده می‌سازند.

افراد متذکره فوق غیر از علماء و فقهاء درباری که غرب آن‌ها را در میان ما نافذ گشتانده است، دیگر کسی نیست. آن‌ها وارثان گروه‌های تبشیری و مستشرقی غرب می‌باشند؛ گروه‌هایی که غرب استعمارش را به واسطه آنان آغاز کرد و بدنبال آن علماء درباری در قیاحت‌کاری جانشین شان شدند و از آن زمان تاکنون در میان ما به عنوان دشمن گم‌نام اما بسیار کشنده بسر می‌برند که هزاران انسان غافل در معرض سم‌های زهرآگین شان قرار گرفته و به ظاهر آراسته و القاب نیک‌شان اعتماد نموده اند و علماء از این طریق توانستند که هر نوع شک و تردیدی که احتمالاً متوجه شان می‌شد، از دل‌های مردم بر طرف ساخته و در راستای سخنان دروغین و اعمال باطل شان تصدیق مردم را جلب نمایند.

عالم فقیه درباری بهره‌ی از زبان تبشیری و مکر مستشرقی دارد، که فقط سعی بر این دارد که ثقافت غرب بت پرست را بر افکار، جامعه، زندگی و دین ما کاملاً مسلط و چیره سازد و هدفش از این کار غیر از نابودی ایمان از میان ما چیزی دیگری نیست. دیروز وسیله و ابزار غرب برای متلاشی نمودن اتحاد و وحدت ما پیرامون خلافت اسلام و جمع شدن تحت سایه آن مستشرقین و مبشرین بودند اما امروزه علماء درباری و فقهای شریر.

پس از آن افاک که در نجد تجاوز بر خاک و خانه‌هایش را حلال می‌شمارد، برای ظالمان ریختاندن خون و سر فرود آوردن به سرکرده کفار و قاتل فرزندان آن را حلال و ستایش می‌نماید، تعجب نکن و نیز از آن کسی که از بالای منبر رسول آن، یهود را به نرمی می‌ستاید. شدت خشکیده‌گی غویلیم، نوجوان سفهای امارات نیز تو را به تعجب وا ندارد که بر منبر آن نشست و در

آنجا شراب، سود و زنا را حلال شمرده تا آن که برای خود این جرئت را بخشید که غضب مسجد الاقصی برای یهود حلال شمارد.

تعجب نکن از این که در مصر کنانه مفتی اعظم حاکم فرعون صفت مصر، ریختاندن خون تمام فرزندان کنانه را به دلیل این که آنان خوارچ هستند، حلال شمرد و سپس بیان داشت که «به دلیل خوارچ بودن و ملامت بودنشان باید که شمشیرت را از غلاف بیرون آورده و با لشکر پیاده نظام و سوار نظام خود بر آنان بتازی!» وی به تعقیب این گفته‌هایش دروغی شاخدار افتراء نمود که از لحاظ باطنی چیزی از بلعم باعورا کم نداشته که در نتیجه ایمان را بر باد داد و آن این که آیات قرآن کریم را تحریف نموده و سخن کفرآمیز به زبان آورد و در ارتباط به این قول الله سبحانه و تعالی:

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ﴾ [نساء: 105]

**ترجمه:** ما کتاب (قرآن را که مشتمل بر حق و بیان گر هر آن چیزی که حق است) به حق بر تو نازل کرده ایم تا (مشعل راه هدایت باشد و بدان) میان مردمان طبق آنچه الله به تو نشان داده است داوری کنی و مدافع خائنان مباش.

گفت که حاکم می تواند طبق میل خود حکم نموده و هر آن چیزی که از قوانین وضعی ضرورت دیده و وضع می نماید بخشی از شریعت به شمار می رود.

در جویره قطر دین تعدیل می شود و به نام حل وسط، میانه روی و مبارزه با افراط گرایی مورد تحریف قرار می گیرد، تا جائی که سخنگوی آن در جریان دیدارهای پشت سر هم در مسکو با و جودی که نمی توان خون ریزی که توسط پوتین در سال های 2014-2015 در شیشان و شام را انداخته شد را فراموش کرد گفت: «جمعیت عمومی اتحادیه بین المللی علماء یک منهج واضح و آشکاری را برای مفکوره حل وسط در مواردی متعددی به عنوان یک حيله وضع نمود و دیگر این که این اتحادیه آماده است تا با ادارات مذهبی و دینی جمهوریت های روسیه همکاری و تعاون نماید.» قباح کاری این اتحادیه در دوستی گرفتن کفار در جنگ علیه اسلام و پیروانان آن چه نفعی در پی خواهد داشت؟! گذشته از آن این اتحادیه به کاری قبیح تر از آن روی آورد و آن حلال شمردن خون های اهل شام برای خون خوار مسکو می باشد. در دیدار سال 2015 با مسکو یکی از اعضاء هیئت اتحادیه بیان داشت: «جنایاتی را که سازمان های تروریستی به نام اسلام مرتکب می شوند، اسلام از آن اعلان برائت جسته و از آن مبراء می باشد... به این دلیل ما از مداخله روسیه در سوریه حمایت نموده و وی را در راه از بین بردن تروریست بین المللی پشتیبانی می کنیم.» در نتیجه آنان برای خون خوار مسکو قتل ما را حلال شمردند و دیری نگذشت که طیاره های بمب افکن روسیه بالای روستاها و کشتزارهای حمص و حماة باریدن گرفت و آنها را به مثنی خاکستر مبدل ساخت (سپتمبر 2015). تروریست های مناطق بمباران شده اطفال و زنان ما بودند و این بمباران و نابودی ادامه داشت در حالی که چهره مفتی آن به زردی نگرایی، گویا پوست صورت آن آهنین بود! سپس پیمان دیگری به امضاء رسید و بلافاصله تاج فروض دین اسلام (خلافت و نظام حاکمیت) را رد نمود.

اما در کشورهای غربی سرکرده شان به دروغ پردازی های خود ادامه داده و در این را روان است گویا که مسیلمه کذاب آن را به عنوان دجال نافرمانی جانشین خود گشتانده باشد، تا جائی که مدرسه ای در آنجا برای تحریف دین و تزییف احکام آن وجود داشته که تحریف کنندگان تازه از تمام اروپا و آفریقا در آنجا زانوی شاگردی می زنند، که در این اواخر اورا قی را از نوشته های خود برای اعاده صیانت مفاهیم اسلام و احکام آن تحت عنوان «دفتر علمی برای تفکیک خطاب افراط گرایی و

تفکیک مفهوم جهاد، جزیه و حاکمیت...» صادر نموده است و در باره تفکیک آن گفته است: «اسلام مفاهیم بزرگ دیگری را نیز در بر دارد که می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود: دین، شریعت، امر به معروف و نهی از منکر، دار اسلام و دار کفر، موالات و براء، اسلام و کفر، هجرت، نصرت، دولت و وظایف آن، امت، خلافت، ایمان، ارتباطات امت با دین، وعده‌های الهی، حاکمیت، تمکین و مفاهیم قرآنی دیگری از این قبیل.»

در یکی از دروغ‌پردازی‌های خود وی جهاد را یک حالت نفسیه‌ای و معنوی خواند و دار اسلام و دار کفر را دار عطاء انسانی خواند، در این افک آن؛ بطور واضح دانسته می‌شود که این تقسیم غیرممکن است. دنیا یک دار واحد بوده و تقسیم آن به دو بخش خلاف اصل می‌باشد. وی نیز گفته است: دولتی که پیامبر علیه اسلام در مدینه تاسیس نموده اند، نوعی از اشکال دولت بوده و دولتی نیست که باید حتماً تاسیس شود!

و تو مثالی را برای بیمار بودن فهم و رکیک بودن کلام سرکرده غرب نمی‌یابی، مگر در زمره‌های یمامه مسیلمه کذاب هنگامی که با تاسف گفت: «یا ضفدع بنت الضفدعین، نقی کما تنقین...»، و «الفیل وما أدراك ما الفیل، له زلقوم طویل» گویا که هر دو از یک شکم اند. و تو نمی‌دانی که پوست صورت آنان از جنس چیست، هیچ یک از آنان از دروغ‌گویی و فریب دادن آشکارا شرم نمی‌کنند، پوست‌های بز را بر قلب‌های گرگ‌گونه خود پوشانده و ملبس به لباس‌های متقین بوده و دل‌های شان جز درهم و دینار چیزی دیگری بیش نیست...

عافل خواندن و عالم نامیدن شخصی که علناً به دین و امنیت‌گاه خود به طور آشکارا خیانت می‌کند؛ اوج قباح و پستی را می‌رساند و همین‌که یک شخص به استوارترین میثاقی که الله سبحانه و تعالی از فرزندان آدم گرفت، خیانت کرده و آن را ناچیز و حقیر بشمارد، واقعاً جفا و خیانت بس بزرگی بشمار می‌رود:

﴿وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَاشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا قَبِئْسَ مَا يَشْتَرُونَ﴾ [آل عمران: 187]

**ترجمه:** و (بیاد بیاور ای پیامبر!) آنگاه را که الله (سبحانه و تعالی) پیمان مؤکد (بر زبان انبیاء) از اهل کتاب گرفت که باید کتاب (خود) را برای مردمان آشکار سازید و توضیح دهید و آن را کتمان و پنهان نسازید، اما آنان آن را پشت سرافکندند و به بهای اندکی آن را فروختند! چه بد چیزی را خریدند! (آنان باقی را با فانی معاوضه کردند)!

ابن جریر از قتاده روایت می‌کند: این پیمانی است که الله سبحانه و تعالی از اهل علم گرفته است؛ کسی که چیزی را می‌داند باید آن را به دیگران تعلیم دهد. از کتمان علم بپرهیزید چون باعث هلاکت می‌شود. انسان نادان و بی‌خبر هیچ مکلفیتی متوجه‌اش نمی‌شود و همین عدم کتمان حق و آموزش آن سبب می‌گردد که بر آنان اتمام حجت شده و از متکلفین گردند.

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ  
اللَّاغْنُونَ﴾ [بقره: 159]

**ترجمه:** بی‌گمان کسانی که پنهان می‌دارند آن چه را که از دلایل روشن و هدایت فرو فرستادیم، بعد از آن که آن را برای مردم در کتاب (تورات و انجیل) بیان و روشن نموده ایم، الله و نفرین کنندگان (چه از میان فرشتگان و چه از میان مؤمنان انس و جن) ایشان را نفرین می‌کنند (و خواستار طرد آنها از رحمت الله خواهند شد).

در صورتی که یک عالم در کارش مکر و حيله نماید، کلام الله سبحانه و تعالی را تحریف نموده و دروغ بگوید و برای خوب جلوه دادن و نقش و نگار بستن باطل تدلیس نموده و عیوب باطل را کتمان نماید؛ قسم به جانت که با انجام این اعمال ناپسند از مقام یک عالم فقیه به افاک دجال نزول نموده است. علمای درباری با حکام ظالم و فاسق مشارکت نموده و واگیر صفات رذیله‌ای شده اند که آن اعمال را به عنوان فضایل انجام می‌دهند و ضعف خود را در حقیقت نرمی، سکوت خود را در برابر ظلم ظالم خیرخواهی و تملق و منافقت خود را حکمیت و مدنیت تعبیر می‌نمایند، گویا از رشوتی که از مال‌های ظالمان در برابر سکوت خود اخذ نموده و می‌خورند با خبر نباشند.

واقعاً جای تعجب است! الله سبحانه و تعالی از علماء امتداد عمل نبوت را در میان مردم خواسته است که بر اساس آن سخن زنند، حجت اش را برپا دارند، راهش را بیمایند و به وسیله اخلاق آن خود را منتسب به آن سازند، در حالی که علماء درباری از این خواسته ابا ورزیده و بر ضد آن عمل می‌نمایند!

در عین حالی که یک عالم ربانی در باره شریعت و صاحب شریعت تفکر نموده و در این فکر است که الله سبحانه و تعالی ناظر بر اعمال و اقوال وی بوده و از وی بازپرس خواهد نمود، می‌بینی که عالم درباری در این فکر است که کتاب‌های شریعت را چگونه تاویل، تحریف، تغییر، آشکار و پنهان سازد...

در واقعیت علماء باید با الله سبحانه و تعالی صادق باشند و بدانند که قوانین وی باید بالای امت جاری شود و عمل علما از قوانین بین‌المللی بلیغ‌تر و کاربردتر بوده و هم‌چنین خودکفا و مستقیم‌تر بوده و می‌تواند در تصحیح قوانین بین‌المللی بکار رود. علماء میراث‌بران پیامبران اند و در زندگی مردم نقش بسزای را دارند! راستگو و راست‌کردار اند! آن‌ها نگهبانان وحی و گواهانی اند که بر آن امین شمرده شده اند! پس زمانی که چنین باشند علماء ربانی بشمار رفته و اسم و رسم دانسته نمی‌شوند. پس علماء میراث‌بران انبیاء بوده و تاریخ شاهد آنست که هیچ پیامبری نبوده مگر این که سختی‌ها و مشقت‌ها در راه هدایت مردم کشیده است. در مقابل باطل به مبارزه برخاسته و در راه تصحیح وضعیت بشر و بازگشتاندن آن بسوی خالق سختی‌ها را متحمل شده است. این همان چیزهای است که از انبیاء باید به ارث برد نه علم و آموختاندن آن بلکه علم و آنچه مقتضی آن است.

اما آفت این زمان حکام ظالم، فاجر و علماء درباری گمراه و گمراه‌کننده می‌باشند و عالم ربانی عبدالله بن المبارک رحمه الله می‌گوید: دین را غیر از پادشاهان و علمای درباری و رهبانان چه کسی فاسد می‌نماید؟!

پیامی برای علماء درباری: از کارهای زشت‌تان دست‌بردار شوید، این برای‌تان بهتر است و در صورتی که شقاوت و بدبختی بالای‌تان غلبه نموده آن را از خود دفع نمایید؛ چون الله انتقام‌گیر و جبار بوده و می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ﴾ [انفال: 36]

*ترجمه: کافران اموال خود را خرج می‌کنند تا (مردمان را) از راه الله (سبحانه و تعالی و ایمان به الله) باز دارند. آنان اموالشان را را خرج خواهند کرد، اما بعداً مایه حسرت و ندامت ایشان خواهد گشت و شکست هم خواهند خورد. بی‌گمان کافران همگی به سوی دوزخ رانده می‌گردند و در آن گرد آورده می‌شوند.*

﴿أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّهُ مَن يُحَادِدِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَأَنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا ذَلِكَ الْخِزْيُ الْعَظِيمُ﴾ [توبه: 63]

**ترجمه:** آیا ندانسته اند که هرکس با الله و رسولش دشمنی و مخالفت کند، سزای او آتش دوزخ است و جاویدانه در آن می ماند؟ این (گرفتار آمدن به دوزخ) رسوایی و خواری بزرگی است.

﴿كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾ [مجادله: 21]

**ترجمه:** الله چنین مقدر کرده است که من و پیامبرانم قطعاً پیروز می گردیم. بی گمان الله نیرومند چیره است.

چگونه دروغ بافی می کنید با آن که می دانید با وی ملاقات خواهید کرد، سرانجام خودتان به عاقبت بد دروغ بافی خود درگیر شده، سپس خواسته شما نه بلکه خواسته الله سبحانه و تعالی انجام می پذیرد و آن چه را که وی حکم نماید و اراده فرماید همان می شود؛ نه آنچه را که شما مکر نموده اید و سپس آنچه آمدنی باشد می آید!

﴿كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾ [مجادله: 21]

بارالها! کسی که خواستار بدی برای اسلام و مسلمین است، بلای فراگیر را نصیب خودش بگردان و تدبیرش را وسیله تدمیر خودش بگردان و برای این امت اسلامی کار خیر را اراده نموده و آن را متحقق ساز؛ خلافت راشده بر منهج نبوت که در آن اهل طاعت و اطاعت تو عزت مند و اهل معصیت تو خوار و ذیل اند.

﴿وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [یوسف: 21]

**ترجمه:** الله بر کار خود چیره و مسلط است؛ ولی بیشتر مردم (خفایای حکمت و لطف تدبیرش را) نمی دانند.

نویسنده: مناجی محمد

6 ربیع الثانی 1442 هـ.ق

6 دسمبر 2020 م

مترجم: محمد مزمل